

فقدان برنامه، ویژگی عمده بازرگانی کشور در سالهای جنگ

این مقاله به شکل اجمالی سیاستهای بازرگانی کشور را در ارتباط با موفقیت جنگی بررسی می‌کند و میزان مساعدگی این سیاستها را با ویژگیهای یک اقتصاد جنگی و کنترل شده مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش بررسی مبتنی بر پی‌گیری تغییر و تحول چند عطف عمده بازرگانی کشور طی سالهای بعد از انقلاب و بررسی مدارات فرآیند تحلیلی است و طی این بررسی هم وارتادها و فرآیندهای ارزی و نقل و انتقال بازرگانی خارجی و به طور جزئی توزیع داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



با پیروزی انقلاب اسلامی در اواخر سال ۵۷، اقتصاد

ناشی از تحولات گاهگاهی مانند انقلاب و جنگ هستند. عمدتاً یک مشکل عمده زیربنایی را نیز نشان می‌دهند. کشور مواد اولیه به میزان یک مشکل، پیانگر این است که صنایع کشور گرایش داشته‌اند به همان سال که در سالهای قبل از انقلاب تولید کرده‌اند، تولید کنند و این طیف را نمی‌پایانند که تصویری پیرامون زود تقصیر در ساختار تولید و در ناآهسته است. مسائل مدیریت و مالکیت و روابط تولیدی نیز پلانگلی و فقدان سیاست مشخص برای اداره اقتصاد کشور را نشان می‌دهند.

پس از آغاز جنگ با وجود اینکه وقوع آن به کشور تکتیکی اساسی وارد کرد و بسیاری ازها را بنه آورد، تنها یک راه حل همه جانبه برای برخورد با مشکلات

از دنیا گرفته‌اند و با مابرای سال جاری و حتی دو سه ماهه اول سال آینده هیچگونه تازایی به خرید نداریم. مشکل ما محدود بودن ظرفیت بانکر است و فقط باید کشورها را بسج کنیم تا کالاهای را که به ما نیاز می‌رسد به دست می‌آوریم (۱)

فریادی دیگری با بیان این موضوع که تا زمانیکه عدم تناسب بین عرضه و تقاضا می‌چرخد است، کشور در مبارزه با وجود رازهای سیاه اجتناب ناپذیر است (۲). محور وارد کردن انواع کالاهای خارجی حل مشکلات بازرگانی کشور می‌باشد در فکر یک جنگ پرحزینه است صادر می‌شود. در این بیان فکری، اکثری مصرف می‌چرخد و میزان اصل مسلم و لایقبردی فرض می‌شود که امکانات ارزی و سیاست زیربنایی کشور باید برای از راه آن بسج شود.

هر چند شعار ضد شرفی، نه غریبه‌نیز به این شکل مورد توجه قرار می‌گیرد، مهم بخش خصوص، در واردات کم و زیاد که به چه می‌چرخد است. اساسی می‌کنیم فرآیند بررسی کشور که در کالایی در اختیار بخش خصوصی باشد تا ترانسیت باقیم به اصل نه شرفی، نه غریبه عمل کرده باشیم (۳) و این موضوعی است که ما بعداً در مورد آن بحث بیشتری خواهیم کرد.

ظرفیهای لازمه اشاره شده در سال ۵۹، لیستی قابل تأمل دارد در این لیست علاوه بر نیازهای اساسی کشور، حجم وسیعی از کالاهای لوکس، غیرضروری و مصرفی و مورد دانه که اشاره به برخی از آنها برای درک میزان لزوم واردات لازم است.

۵۰۰ دستگاه وینو، ۲۰۰۰ دستگاه دوربین وینو، ۱۰۰۰۰۰ دستگاه تلویزیون رنگی، ۲۰۰۰۰۰ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید، ۱۴۰۰۰۰۰ جعبه جاروی برقی، ۹۸۰۰۰۰ دستگاه آمپور، گری، ۲۰۰ میلیون متر پارچه گرانها، آشپزخانه پیش ساخته، کاغذ دیواری، و القام مشابه دیگر در حجم هشتاد، به شرحی نتاشگر درگ مورد در سال ۱۳۶۱، از مفهوم کالاهای لازمه است.

این موضوع که کالاهای وارد شده طی سالهای فوقی چگونه توزیع شده‌اند، وجه دیگری از موضوع است که بعداً به آن به شکل مشروح خواهیم پرداخت. اما کافی است اشاره شود طی در پیاده کردن این سیستم نیز اشکال فراوان وجود داشته است. عدم توجه به ظرفیت بانکر، وجود اشکالات جدی در شبکه‌های داخلی توزیع و وجود مدارات فساد آفری، حجم وارداتی از کالا را در بانکر کشور، در حالی که برای و آید و در بانکر سرمایه می‌دارد رسوب می‌کند و علاوه بر موارد دیگر، کالاهای برای از دولت و ساخت و پانف با فرودگاه خارجی می‌چرخد صنعت عمده ارزی به اقتصاد کشور و در این سال ۶۱ به بدست است. مقدار اقسا شده مورد فساد آفری حساب سازه‌ها و نقلات افزایش می‌یابند. مواردی مانند دریافت کمیسیون از طرفهای خارجی (شرکتیهای زاپس، برای ترکیه ۱۰٪)، به مبلغ ۱/۸ میلیون دلار توسط فقط یک نفر و تنها در مدت ۸ ماه فراوان سبقت در مازات تهیه و توزیع، با کشف تنها می‌یابند و دست میلیون مارک تلگراف به خرید کالا تنها ظرف پنج ماه در کشور امان نتاشگر نامزد بودن سیاستهای بازرگانی اختلا شده، دران جنگ است.

اقتصاد کشور در سالهای پس از ۵۷ و جنگ تحمیلی، دارای یک ویژگی مهم است: عدم توجه به این اقتصاد داخلی مشخصی وجود ندارد و اصولاً تصور اقتصادی و اقتصادی از اجناس کنترل اساسی در ساختار وجود ندارد. این امر نه تنها کسی به پذیرفت اقتصاد داخلی و حل مشکلات آن نکرده است، بلکه در وقت اقتصاد و اقتصادی را در زمینه‌های تولید، سرمایه گذاری، صادرات و



بازرگانی که یک وجه عمده اقتصاد کشور است ارائه شد. بلکه از سویی ادامه ذکر می‌ماند سیاسی (تا اواخر سال ۱۳۶۰) و از سویی دیگر نتاشگر یک تصور واقعی از اثرات درازمدت جنگ بر اقتصاد و بازرگانی، بازرگانی کشور را در هر دوره داخلی و خارجی آن از کانون توجه مسئولین نوز کرده و تصمیم‌گیری در مورد پیشرفتن چینه‌های این امر را به عملی روزانه و طبیعی از سر تازایی بدل کرد.

تصمیمات اتخاذ شده در زمینه بازرگانی طی سالهای پس از جنگ از یکسوی نتاشگره اقتصادی نسبی در مورد آینده و چشم اندازهای اقتصاد دوران جنگ است که در مواردی معدود مانند تصمیم نهایی به بهره‌بندی توسط دولت جدید اقتصادی متبلور می‌شود (گرفته‌شدن ارقامات اجمالی اقتصادی با شهادت رجایی و بهمنی از پاران و جامه عمل به شرحی نوز پوشده، و از سویی دیگر (احضال تا پایان سال ۱۳۶۲) نتاشگره فقدان آمادگی، نتاشگر بصیرت و تصور درست از آینده، روزمرگی، و تبلیغات گمراه کننده پیرامون وضع اقتصادی کشور است.

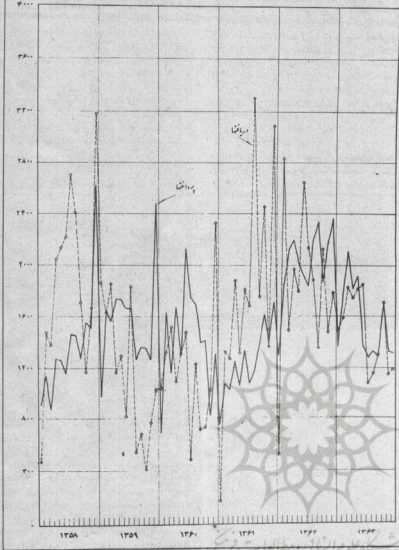
ویژگی عمده این دوره افشار بازرگانی کشور، اتکالی بوده گسرفش در ن تأمین نیازهای داخلی از طریق واردات است. خط اصلی تفکر مسئولین بازرگانی در این دوران این است که برای رفع نیاز داخلی، به هر اندازه که ممکن باشد، کالای خارجی وارد شود از نظر آنها هر چه می‌ماند ۱۳۶۱، تنها مشکل موجود، مسئله محدود بودن امکانات بندری و حمل و نقل داخلی است. واز نظر تهیه کالا، خدمتگاران در وزارت بازرگانی با نداشتن سیاست مشخص برای تکمیل نیازهای

بایسته ایران به مرحله‌ای رسید که طی آن هم‌راه با فروپاشی نظام سیاسی کشور، ارتکابهای اداره این اقتصاد و نظم مسلط بر روند جریانهای اقتصادی، متلاشی شد. ویژگیهای عمده این اختلال در روند اقتصاد ایران، در زمینه بازرگانی، عبارت بود از: بروز سریع وقفه در واردات مواد اولیه کارخانجات داخلی به دلیل اختلال در مدیریت که به تدریج به کاهش تولید داخلی و فرونی تقاضا بر عرضه انجامید. فروپاشی نظام بازرگانی خارجی به دلیل مناسبت شدن بازرگانان و دولت از انتظاراتی که در سطح جامعه پیرامون عملی شدن بازرگانی خارجی به وجود آمده بود، و همچنین عدم ریختن تدریجی سیستم توزیع داخلی، که بالاخره به کاهش کنترل قانونی امر توزیع، تسریع نرخ تورم، و فرونی واقعی و کالای تقاضا بر عرضه انجامید.

این ویژگیها و مشکلات تا نیمه سال ۱۳۶۸ که جنگ تحمیلی در مناطق جنوبی کشور به شکل گسترده آغاز شد، برقرار بود و نه تنها اختلالات سیاسی در داخل از لحاظ عمل آنها جلوگیری کرد، بلکه از جنبه نظری نیز به دلیل وجود رفته‌رفته اختلال از اقتصاد اسلامی، جمع نظریه بدون و قابل شدن ارائه شد. طی این دوران و همچنین در اکثر سالهای بعد، تقریباً در کلیه گزارشهای جدی از اوضاع اقتصادی کشور، به مشکلات اقتصادی و صنعتی یکسانی اشاره می‌شود. کشور و گران مواد اولیه، مسائل مدیریت واحدها، نامشخصی بودن مالکیت و روابط تولیدی، و مشکلات تهیه کالاهای واسطه، مواد اولیه و لوازم پزشکی، این مشکلات در کل کشور به عنوان یک مشکل مشترک و

دیرانته‌ها و پروانه‌های جاری ارزی کشور

مؤلف: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



مسائل زیبایی و بهداشت و مسکن و بهداشت شدت پخشیده است. مثلا بیان آرزوهای پاکدلانه ولی از سر سادگی توسط برخی مسئولین دایر بر توزیع مسکن بین هر مقطع سالهای ۵۸ و ۵۹، یکی از عوامل تسریع کننده مهاجرت و بی‌امدای و خیم پس از آن است همچنین پاروهای ساده و خام در مورد سرمایه‌داری و فقر، و تندرویهای ناشی از فقدان قانون، از دلایل عمده کاهش سرمایه گذارهای تولیدی و صادرات غیر نفتی مصروف می‌شوند. در حقیقت، در سالهای پس از انقلاب به این امر توجه نشده است که بین خواست و آرزو با عمل و واقعیت فاصله و تفاوت عمیقی وجود دارد و تنها با داشتن تصویب‌های واقعی و برنامه عینی می‌توان این فاصله را کاهش داد.

در یک تحلیل بنیانی، اساس تماشای گام‌های امروز کشور، می‌تواند از طریق استناد به فقدان برنامه مناسب برای تحقق شعارها و خواسته‌های دوران انقلاب توضیح داده شود. برنامه مصروف خصوصا پس از شروع و ادامه جنگ تحمیلی، می‌بایست بر اصل ایجاد تغییر بنیانی در الگوهای تولید، توزیع و مصرف کشور، از طریق دستیابی به یک استراتژی برنامه‌ریزی شده تولیدی، کنترل شدید بر توزیع، و مهمتر از همه، تغییر نگاهانه و فعال - نه انفعالی - الگوی مصرف در کل کشور استوار باشد.

از جنبه بازرگانی که مرسوم مورد بحث ما در این مقاله است، جهت دستیابی به اهداف فوق می‌بایست، الف: رابطه حجم واردات - حجم درآمد ارزی قطع شود و میزان واردات کشور تابعی از حجم درآمد ارزی نباشد، ب: در نتیجه می‌بایست جایگاه بخش خصوصی در واردات بازرگانی خارجی کشور مشخص شود، ج: توزیع داخلی از الگوی مصرف جدیدی تهیت کند و در شدت کنترل شود. در نتیجه بررسی سیاستها و عملکرد بازرگانی کشور در سالهای جنگ تحمیلی، باید با توجه به میزان انطباق آنها به سه اصل فوق بررسی شود که در زیر، به بررسی آنها می‌پردازیم.

آرزو، سیاست تعیین می‌کند.

در اقتصاد ایران، همیشه میزان مصرف درآمد ارزی دولت، مساله اصلی و تعیین کننده روند تغییر در سایر عوامل اقتصادی بوده است. تغییر در ترکیب واردات کشور در سال ۵۴ که به نوبه خود در تولید داخلی صنعتی و کشاورزی کشور اثر گذاشت، مهاجرت را افزایش داد، مصرف داخلی را به شکل چشمی اضافه کرد، و در مجموع سبب بروز تغییراتی کیفی در اقتصاد کشور شد، ناشی از درآمد ارزی یکبار افزایش یافته بود که خود، از افزایش یکباره بهای نفت ناشی می‌شد. این رابطه در سالهای پس از انقلاب و دوران جنگ نیز برقرار بوده و میزان واردات، همیشه تابعی بوده است از درآمد ارزی و نه نیازهای واقعی. در این سالها، در حالی که جنگ تحمیلی به ویژه در

مناطق نفتی و گازگامهای صادراتی ایران به شدت ادامه داشته و احتمال محروم شدن ایران از بازارهای فروش نفت و یا بروز اشکال در مسیر این راه، برپا شده، تنها به این دلیل که اثری از سیر نزولی در قیمت نفت به چشم نمی‌خورده است، الگوی تهیت حجم واردات از درآمد ارزی برقرار است و حتی گاهی طرح پیش از بدخله است. اقدام مربوط به سه سال منتهی پس از انقلاب در جنوب زیر، وابستگی کاملی را بین درآمد ارزی هر سال با واردات کلای سال بعد نمایش می‌دهند.

در گزارشهای بانک مرکزی پیرامون اوضاع اقتصادی کشور، نتواند فراوانی در این زمینه به چشم می‌آید. در گزارش وضع اقتصادی کشور در ۶ ساله دوم سال ۱۳۶۰ آمده است: «به طور کلی سطح نازل صادرات در سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ و نتایجنا بروز مضیقتهای شدید ارزی از یکسو و افزایش قابل توجه هزینه‌های ارزی بخش دولتی به ویژه هزینه‌های ارزی ناشی از جنگ تحمیلی از سوی دیگر، موجب گردید که طی این سالها، کنترل و محدودیت‌های بیشتری در زمینه واردات بخش خصوصی اعمال گردد.

در این رابطه طبق تصمیمات اتخاذ شده در اواخر شهریور ۱۳۶۰ ثبت سفارش ورود کالا توسط بخش خصوصی به شدت، محدود و در بسیاری از موارد کاملاً قطع گردید. در اثر این تصمیمات فروش ارز برای واردات کالای بخش خصوصی، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ شدیداً کاهش یافت و به حدود ۴/۱ میلیارد دلار محدود شد که ۱۶ درصد نسبت به رقم نیمه اول همین سال و حدود ۹ درصد نسبت به رقم نیمه دوم ۱۳۵۹ کاهش نشان می‌دهد. (۲)

چنانچه ملاحظه می‌شود، مسلط نازل صادرات نفتی و «بروز مضیقته شدید ارزی» در مقابل مخارجی که دولت برعهده داشته موجب می‌شود دست بخش خصوصی در واردات کالاهایی که به شکل بالقوه امکان چشم‌پوشی از مصرف آنها وجود داشته، نسبتاً بسته شود و دولت نیز تا حد ممکن در مخارج ارزی صرفه‌جویی کند. در این میان عامل دیگری که ناشی از سیاست آینده‌نگر اقتصادی باشد، در کاهش واردات نفتی نداشته است.

علاوه بر نمودار شماره یک که ارتباط متقابل دریاخانه و پرداختهای جاری ارزی کشور را از سال ۵۸ تا ۶۳ با طور

	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲
کل دریافتی ارزی جاری دولت	۱۴۲۱۴	۱۴۳۲۰	۲۱۴۵۵	
کل واردات کالا توسط بخش دولتی و خصوصی		۱۵۲۲۲	۱۴۳۰۸	۲۳۳۱۶

* ارقام به میلیون دلار - مؤلف: گزارشهای سالانه بانک مرکزی

*** ویژگی عمده بازرگانی کشور**
 در سالهای پس از انقلاب و آغاز جنگ، اتکالی رو به گسترش آن به تأمین نیازهای داخلی از طریق واردات است.

*** میزان واردات کشور همواره تابعی از درآمدهای ارزی سال ماقبل بوده است و نه نیازهای واقعی.**

*** سیاستهای اتخاذشده در جهت کاهش حجم واردات همواره ناشی از کاهش حجم درآمدهای ارزی بوده است و نه نتیجه یک برنامه‌ریزی آگاهانه و مبتنی بر آینده‌نگری.**

جلوی واردات بی رویه را گرفته‌اند نیز در کاهش حجم واردات موثر بوده است، اما این سیاستها، خود محصول کاهش حجم درآمدهای ارزی در سالهای مقدم‌تر بوده‌اند و نه نتیجه یک برنامه‌ریزی آگاهانه و مبتنی بر آینده‌نگری. حقیقت این است که حتی در دورانی که فشار مشکلات اندیشه‌های تازه‌تری پیرامون بازرگانی کشور را مطرح کرده است، اتخاذ مواضع و سیاستهای جدید، انفعالی و از سر ناچاری بوده است، به همین اعتبار، می‌توان گفت که گرفتاریهای دامروزه، ظاهراً ناشی از کاهش در آمد ارزی، ولی در اصل ناشی از بی خبری و برخورد منفعلانه «دوره‌زده» است. اثرات این برخورد منفعلانه هنگامی بدتر می‌شود که بخش خصوصی با هدف کسب سوده از تجارت خارجی، با به میدان می‌گازد.....

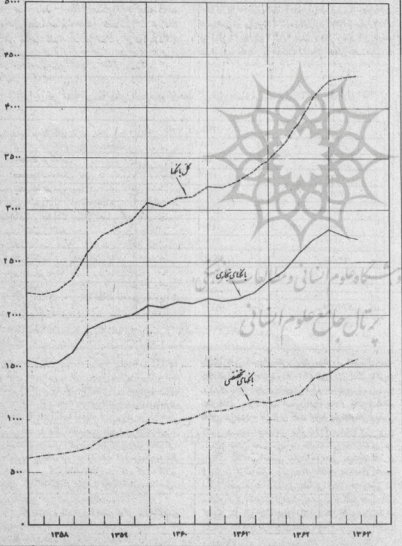
بخش خصوصی، برنده اصلی

موضوع فعالیت بخش خصوصی در زمینه واردات کالا، در کشور ما یکی از اصلی‌ترین مباحث اقتصادی است، به دلیل اتکالی بازار داخلی به واردات کالا و مواد اولیه خارجی

و عظیم بودن میزان آن در دوازده ساله اخیر، این بخش از فعالیت تجاری چلاییت زیادی برای صاحبان سرمایه داخلی داشته و سرمایه گذاری در آن ساده‌ترین و احتمالاً ساده‌ترین ارش کسب سود و افزایش عظیم سرمایه بوده است. شدت استفاده بخش خصوصی از منابع ارزی کشور - که اموال عمومی کشور محسوب می‌شود از طریق واردات کالا تا به آن حد بوده که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از عمده‌ترین خواستههای ملت، دولتی شدن بازرگانی خارجی بوده است و این امر با تئویت و تصریح اصل دولتی شدن بازرگانی خارجی در قانون اساسی، امکان بالقوه برای جلوگیری از انقاف منابع ملی را فراهم کرد. متأسفانه هنوز هم منهای قانونی مشخصی برای از قوه به فعل در آوردن این اصل تدوین نشده و به نظر می‌رسد تنها عاملی که بتواند روزی این اصل را به اجبار از قوه، به فعل در آورد، کاهش هر چه پیشتر درآمدهای ارزی باشد.

نمودار شماره دو
عستبارت بخش خصوصی

مأخذ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - بهیشتربل



کلی نشان می‌دهد، شاهد دیگری برای تسخیر رابطه فوق وجود دارد. این شاهد اوضاع شش ماهه بعدی، یعنی وضعیت نیمه اول سال ۱۳۶۱ است که طی آن رشد سریع درآمدهای نفتی و بهیروندسی وضع ارزی کشور (۵) سبب رونق ناشی از واردات می‌شود و روزه مواد اولیه، کالاهای ضروری و در کنار آنها کالاهایی که به برخی اقلام آنها در ابتدای مقاله اشاره شد، یعنی، تلویزیون، آب میوه گیری، جاروبرقی، ...، سبب رشد تولید و رونق بازار تجارت می‌شوند. در این جا هم، کلیات بازرگانی کشور یکبار دیگر به محک زده می‌شود و انفعال کامل خود در برخورد با مسائل اقتصادی را نمایان می‌کند.

این کلیات در آنجا آشکارتر می‌شود که بدانیم ۱۰۶ درصد افزایش (نسبت به نیمه دوم ۱۳۶۰) و ۱۰۰ درصد افزایش (نسبت به نیمه اول ۱۳۶۱) در درآمد ارزی کشور طی نیمه دوم سال ۶۱ و کسب یک درآمد ارزی ۲۱/۴۵۵ میلیارد دلاری، سبب می‌شود تا در سال ۶۲ دست و دلبازی در خرج کردن سرمایه‌های ملی، پرداختهای جاری ارزی (مجموع هزینه‌های ارزی کالا و خدمات وارداتی) را به رقم هنگفت ۲۲/۱۹۷ میلیارد دلار برساند که در تاریخ کشور ما بی‌سابقه است. در این سال سهم واردات بخش خصوصی، یکبار از حدود ۶ میلیارد دلار در سال ۶۱، به ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد.

از نیمه اول سال ۱۳۶۲ همراه با کاهش درآمدهای ارزی، «رکود برای تسلط بر بخشهای اقتصادی کشور خیز بر می‌دارد. این رکود در نیمه دوم سال ۶۳ گسترش بیشتری می‌یابد.

«موازنه ارزی کشور با کسری بیشتر مواجه شده» و «پرداختهای عمرانی» کاهش می‌یابد تا از «میزان کسری بروجه عمومی» کاسته شود. «از رشد تولید صنعتی کاسته شده و فعالیت در بخش ساختمان راکنه (۶) می‌شود.

این روند رکود، به دلیل کاهشهای عظیم در بهای نفت، طی سال ۶۴ و سال جاری ادامه یافته است. در سال ۶۴ میزان واردات کشور به شدت کاهش می‌یابد و نشانه‌های صرفه جویی‌های جدی‌تر و درک مفاهیمی چون ریاست کلی اقتصادی در کشور به چشم می‌خورد اگر چه در سال ۶۴ علاوه بر کاهش در آمد ارزی، اتخاذ سیاستهایی که

مشافهات حتی در سالهایی که هزینه‌های جنگ تحمیلی بر اقتصاد کشور فشار وارد می‌کند، در آمد ارزی کشور موقعتی نوسانی دارد و لزوم سخت گیری در هزینه‌های خارجی به شدت مطرح است. به دلیل افزایش فاصله واقعی ارزش ارز خارجی و پول رایج، نمایان بیشتر خصوصی به کمک سهم بیشتر از واردات کالاهای خارجی بیشتر شده و امکان دست زدن به افزایش بازگشایی حسابش مشتری می‌باشد.

*** درسال ۶۲ مجموع پرداختهای ارزی کشور برای واردات کالا و خدمات به رقم بی سابقه ۲۴/۱۹۷ میلیارد دلار رسید که سهم بخش خصوصی از این مقدار ۱۱/۵ میلیارد دلار بود. این میزان ارز درحالی به بخش خصوصی اختصاص یافت که واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه کارخانه‌های دولتی و ادوات نظامی و فرآوردهای نفتی صرفا توسط دولت صورت می‌گیرد.**

نفت و با حجمیتر شدن حجم درآمد ارزی، سهم بخش خصوصی در واردات کالا به یکباره از ۵/۵۸۵ میلیارد دلار در سال ۶۱ به رقم ۹/۵۸۱ میلیارد دلار رسید (این ارقام همراه با هزینه ارزی خدمات وارداتی بخش خصوصی، به ترتیب ۶/۸ میلیارد و ۱۱/۵ میلیارد دلار می‌باشد. در

در سالهای آغازین جنگ، فقدان برنامه مشخص برای تنظیم دخل و خرج ملی، تعریف نکردن الگوهای تولید و مصرف و فشار افزایش یابنده بخش خصوصی و نمایندگان سیاسی در این عطف موقعتی این بخش در اقتصاد کشور باعث شد حتی در بهرانی ترین شرایط نیز مانع عرضه‌ای برای فعالیت بخش خصوصی و جریه نداشته باشد. ظاهراً در نیمه اول سال ۱۳۶۰ عامل نقصان در آمد ارزی، سهم بخش خصوصی را در واردات تا حدودی کاهش داد ولی مشکلاتی که قبلاً اشاره شد این امر به هیچ وجه از سیاست تعریف شده و استراتژیک بازگشایی خارجی ناشی نمی‌شد. مقایسه نیمه اول همین سال با نیمه اول سال ۵۸ (دوران غیر جنگی)، مورد این نظر است که بر خلاف انتظار سهم بخش خصوصی در این دوره افزایش یافته است و نه کاهش. جدول زیر، ثبت سفارشات کالا توسط بخش خصوصی را بر حسب گروههای عمده در نیمه اول سالهای ۵۸ و ۶۰ نشان می‌دهد. در نیمه اول سال ۵۸ اصولاً شرایط جنگی در کشور حاکم نبوده است. ولی در نیمه اول سال ۶۰ جنگ ۶ پر هزینه در عطف خاک کشور جریان دارد و پتانسیل و کالاهای مورد نیاز در عطف قرار گرفته‌اند. در این شرایط جزئی از بیلان بازگشایی خارجی کشور به شرح زیر است:

ثبت سفارشات کالا توسط بخش خصوصی بر حسب گروههای عمده در نیمه اول ۱۳۵۸ و نیمه اول ۱۳۶۰ میلیون ریال

گروه عمده	نیمه اول ۱۳۵۸	نیمه اول ۱۳۶۰
گروته کرم، نطع مرغ، پاپیروسایر	۱۹۹۲۶	۱۷۱۰۰
محصولات فلزایی	۵۸۱۰	۶۳۸۸
محصولات معدنی	۱۱۲۲	۳۷۷۱
صنایع شیمیایی	۲۸۶۰۱	۵۵۱۹۱
مواد پلاستیک مصنوعی	۲۰۵۸۹	۲۶۶۹۹
الیاف	۱۹۴۷۲	۴۴۲۲۰
فلزات	۳۷۸۸۲	۸۱۱۶۰
ماشین آلات	۳۳۶۶	۱۲۸۶۸
وسایط نقلیه	۱۱۳۲۲	۳۹۰۰۰
سایر اقلام	۳۸۷۸۸	۶۱۳۲۲
جمع کل	۲۱۸۹۷۷	۹۲۲۵۲۸

مخاطب مجله بانک مرکزی، سه ماهه اول و دوم سال ۶۰ - شماره ۱۹۰ - ۱۸۸

چنانچه ملاحظه می‌شود، در نیمه اول سال ۱۳۶۰ اولاً سهم بخش خصوصی به طرز بسیار باارزی نسبت به نیمه اول سال ۱۳۵۸ در واردات کالا افزایش یافته است و ثانیاً سهم بیشتری از واردات محصولات فلزایی و مواد اولیه کارخانه‌ها که کنترل آنها اهمیت فراوانی در دوران جنگی کسب می‌کند، به بخش خصوصی داده شده است. این در حالی است که در سال ۶۱ وزیر بازرگانی وقت اعلام کرده بود، سهم بخش خصوصی در واردات کمو نزدیک به صفر است. اما سعی می‌کنیم در آینده بررسی کنیم که چه کالاهایی در اختیار بخش خصوصی باشد تا نتوانسته باشیم به اصل نه شرفی، نه اثری خود عمل کرده باشیم. (۷)

با توسل به همین دستاویزها است که در سال ۶۱، تنها در زمینه واردات آهن آلات یک میلیارد و ۲۸۲ میلیون دلار در اختیار بخش خصوصی قرار می‌گیرد.

در سال ۱۳۶۲، به برکت افزایش فروش و قیمت‌های

حالی که کلی پرداختهای جاری بخش دولتی، در این سال، بابت کالا، خدمات، بهره و غیره ۱۲/۷ میلیارد دلار است. با توجه به اینکه بخش اعظم پرداختهای ارزی دولت صرف واردات مواد فلزایی، مواد اولیه صنایع، فرآوردهای نفتی و اقلام معدنی می‌شود و می‌توان گفت این ارقام نیازهای اساسی کشور هستند، اختصاص مبلغ ۱۱/۵ میلیارد دلار برای واردات بخش خصوصی، در حالی که این بخش نفتی در واردات کالاهای اساسی ندارد، به معنی مست و دیاری فراوان در ارائه منابع مالی، حمایت‌های معنوی و دیاری معنوی است. حجم سرمایه گذاری صنعتی بخش خصوصی در سالهای فوق اقلتر نازل است که می‌توان گفت حتی بخش کوچکی از این دریاچههای ارزی بخش خصوصی صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شده است.

بر طبق گزارشات بانک مرکزی، فعالیت‌های اعتباری

بانکهایی تجاری بسیار سریعتر از فعالیت‌های اعتباری بانکهایی تخصصی بوده است و این امر، به خرس کاتالیزور شدن نقدینگی ارائه شده به بخش خصوصی راهسوی تجارت - و نه عمدت - می‌باشد. مانده بدهی‌های بخش خصوصی به بانکها در جدول زیر، افزایش مداوم اعتبارات ارائه شده به بخش خصوصی را نشان می‌دهد.

حجم اعتبارات بانکها به بخش خصوصی در پایان سال ۱۳۶۰ میلیارد ریال

سال	۱۳۵۸	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
بدهی بخش خصوصی به بانکها	۲۰۶۰	۳۲۱۹	۳۸۸۲	۲۲۵۶	۲۵۰۰

مخاطب گزارش‌های سالانه بانک مرکزی

افزایش ارائه اعتبار به بخش خصوصی، همراه است با یک تفاوت آشکار در میزان اعتبارات ارائه شده بانکهایی تجاری و بانکهایی تخصصی. نمودار شماره دوششماره نقش برتر و مهمتر بانکهایی تجاری در تأمین اعتبارات بخش خصوصی و به ویژه از سال ۱۳۶۲ به بعد می‌باشد.

درسالهایی که جنگ تحمیلی جریان داشته است، بخش خصوصی علاوه بر جنگ زین به درآمدهای ارزی از طریق واردات، در روند توزیع نیز بیشترین بهره‌بردار بوده است. مشکل توزیع در کشور، عام قدیمی و پیوسته است و واضح در سالهای پس از انقلاب صافتر شده است. امروزه کسی آمار درستی از تعداد افراد و واحدهای صنعتی درگرم که این توزیع ندارد روند توزیع و پدیدگیا و نقاط کور آن نیز به طور کامل بر هیچکس روشن نیست. آنچه مسلم است، در سالهای بعد از انقلاب، در بخش خدمات رشد سریعی وجود داشته است که نوسعه بخش توزیع در رشد آن عمده ترین نقش را دارد. کنترل روند توزیع که درکنار تعبیر شریعی الگوهای مصرفی جامعه نیازی حیاتی برای

*** به نظر می‌رسد تنها عاملی که بتواند رکنهای اصلی شدن بازرگانی خارجی را از قوه به فعل درآورد، کاهش هرچه بیشتر درآمدهای ارزی باشد.**

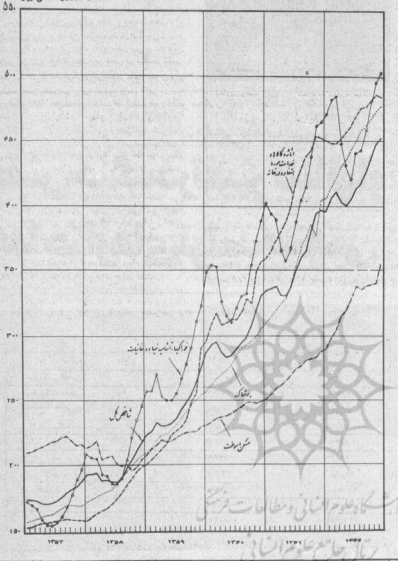
*** درسالهایی که جنگ تحمیلی جریان داشته است، بخش خصوصی علاوه بر جنگ زین به درآمدهای ارزی از طریق واردات، در روند توزیع نیز بیشترین بهره‌بردار بوده است.**

یک جامعه اتلانی است. در شرایط جنگی هست و نیست و فرام جامعه را بر گرو می‌گیرد و نوجوبی به هر فردیال که باشد، به مثابه مست کردن، بانه‌های حیاتی، سیاسی، جامعه و رها کردن اقتصاد در جهت سرطانی شدن بخشی از آن است. فرایند تعیین مشکل توزیع در کشور را چند عامل تقویت کرده‌اند: کاهش تولید و عرضه، درحالی که هیچ تقسیمی در الگوهای تقاضا داده نشده. تقاضا را به یکباره همراه با لایال روانی زیاندار کرد. عدم وجود کنترل جدی روی شبکه‌های توزیع نیز احتکار و گروافروشی را در ایجاد

شاخصهای کالاها و خدمات مصرفی در ایران

مؤلفه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۴۲ و ۱۰۰



بانک مرکزی - شماره ۲۰۴/۲۰۴
 ۷. اطلاعات - ۶۱/۶/۲۰
 ۸. اطلاعات - ۶۲/۱/۱۸
 ۹. اطلاعات - ۶۱/۹/۷
 ۱۰. اطلاعات - ۶۱/۱۱/۲۰

توزیع خصوصی کشور و فقدان کنترل توزیع است
 و عوامل دیگر اثرات کثیری در مورد گرانی و کمیابی
 بسیاری از کالاها دارند
 زیرنویسها

- ۱- اطلاعات - ۶۱/۱۰/۱۸
- ۲- اطلاعات - ۶۱/۹/۷
- ۳- اطلاعات - ۶۱/۶/۲۰

۴- اوضاع اقتصادی کشور در سه ماهه سوم و چهارم
 ۶۰ - مجله بانک مرکزی شماره ۱۹۱ و ۱۹۲
 که گزارش وضع اقتصادی کشور طی سه ماهه اول و
 دوم - مجله بانک مرکزی شماره ۱۹۳ و ۱۹۴
 ۶۱ - گزارش اوضاع اقتصادی کشور در سال ۶۲ - مجله

✳ امروزه کسی آمار درستی از
 تعداد افراد و واحدهای صنعتی درگیر
 در امر توزیع ندارد. روند توزیع و
 پیچیدگیها و نقاط کور آن نیز به
 طور کامل برهیچکس روشن نیست.

✳ گزارشهای بانک مرکزی، در کنار
 کاهش تولید داخلی، احتکار و
 نارسایی سیستم توزیع را از عوامل
 موثر در افزایش قیمتها می دانند و
 حتی در برخی گزارشها عامل احتکار
 و گرانفروشی مقدم بر کمبود تولید
 شمرده می شود.

✳ در سال ۶۱ تنها در زمینه واردات
 آهن آلات یک میلیارد و ۲۸۴ میلیون
 دلار ارز در اختیار بخش خصوصی
 قرار گرفت.

عظیم و در سراسر کشور به یک شیوه رایج در کلیه
 واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ بدل گرد
 در سالهای آغاز جنگ وزیربازرگانی وقت معتقد بود
 که توزیع کالاها در موارد ضروری در دست دولت نخواهد
 شده (۸)

در مورد قانونی که در سال ۶۲ از آن یاد شده است و باید
 مسأله توزیع را حل کند، هنوز بین اصناف و مستولین
 وزارت بازرگانی توفیقی حاصل نشده است. لزوم وجود این
 قانون را وضعیت فعلی توزیع کشور مرکب می سازد زیرا
 در سایه فقدان قانون، راه برای عمل نامحدود علاقه مندان به
 احتکار و سودجویی بی رویه، باز است.

برخی سعی کرده اند عامل اول اشاره شده در بالا، یعنی
 کمبود عرضه را عامل اصلی اشکال در جریان توزیع کالا در
 کشور و نامردود کنند. مثلا وزیر بازرگانی سابق معتقد بود که
 عدم تناسب بین عرضه و تقاضا، کمبود و ایجاد بازاریهای
 را اجتناب ناپذیر می کند (۹) و برخی از بازاریان، دانسته
 یا نادانسته به احتکار دست می زنند (۱۰)

اما گزارشهای بانک مرکزی در کنار کاهش تولید
 داخلی، احتکار و نارسایی سیستم توزیع را از عوامل موثر
 در افزایش قیمتها می دانند و تقریباً در کلیه گزارشهای بانک
 مرکزی پیرامون اوضاع اقتصادی کشور، در مورد بیان علل
 افزایش شاخص هزینه ها و گرانی، عامل احتکار و
 واسطه گرایی در کنار کمبود تولید مطرح می شود و حتی
 در برخی از گزارشها، ذکر عامل احتکار و گرانفروشی مقدم
 بر کمبود تولید می شود به عنوان مثال، در نیمه دوم سال
 ۱۳۴۲، علیرغم حجم زیاد واردات، شاخصهای کالاها و
 خدمات مصرفی به شدت افزایش می یابد (نمودار شماره ۳)
 و افزایش تولید و عرضه نمی تواند جلوی رشد قیمتها را
 بگیرد زیرا تعیین کننده قیمتها بالاتر، میل و اراده شبکه